



بررسی طرح وزارت علوم برای سه‌ساله کردن دوره کارشناسی باهداف ارتقای کیفیت و کاهش هزینه‌ها

دانشگاه فشرده می‌شود و ترم‌ها کوتاه

صفحه ۶

تحریم‌ها بازار را لرزاند، اما دولت تازه به فکر تشکیل جلسه و تصمیم‌گیری افتاده است

تحریم‌ها آمدند تدبیرها نیامدند

بازگشت تحریم‌ها از مدت‌ها پیش قابل‌پیش‌بینی بود؛ اما دولت هیچ سناریوی آماده‌ای برای مدیریت اثرات اقتصادی و معیشتی این تصمیم در اختیار نداشت

فاطمه مهاجرانی، در روزهای پایانی هفته گذشته، در پاسخ به پرسشی درباره برنامه دولت برای کنترل قیمت‌ها پس از فعال‌سازی مکانیسم ماشه گفته بود که «دولت مکلف است در مورد تأمین معیشت مردم، برنامه داشته باشد و این برنامه در حال نهایی شدن است. امروز یکشنبه، ۱۳ مهر ۱۴۰۴، برنامه اقتصادی دولت برای آرایش جدیدی که در آن قرار گرفته‌ایم در جلسه هیئت دولت بررسی خواهد شد. پس از تصویب، وظیفه هر کدام از وزارتخانه‌ها و نقش آنان در شرایط فعلی مشخص خواهد شد. امیدواریم با آرایش جدید دولت در شرایط جنگی، مردم آسیب کمتری ببینند...

صفحه ۳

بازار عطر ایران با ممنوعیت واردات و دلار بالا به سمت ادکلن‌های قاچاق و بی‌کیفیت حرکت کرده است

عطرهایی دور از رایحه خوب

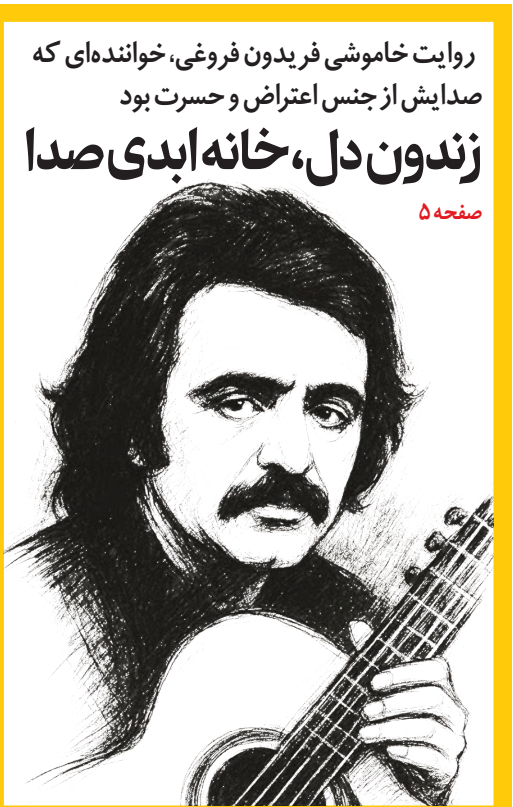
ادکلن‌های زیر یک میلیون تومان تنها ۱۰ تا ۱۵ درصد از رایحه واقعی پرندها را دارند و مابقی شامل محلول‌های الکلی و اسانس عمومی است

صفحه ۲

قانونی شدن کشت خشخاش تهدیدی جدی برای جنگل‌های غرب ایران

زاگرس خشخاشی می‌شود؟

صفحه ۴



حکم اعدام دو عامل گروهک داعش که اتوبوس زائران کر بلا را منفجر کردند

محاکمه قاتلان دل‌نشین

صفحه ۷

خط‌نشان سرمری پرسپولیس در رختکن

هاشمیان: شوخی ندارم!

دیگر به اسم‌ها بازی نمی‌دهم

صفحه ۷

گفت‌وگو با ایرج میرزا علی‌بخانی درباره گرافیک و دیوارنگارهای شهری

گرافیک گرفتار تبلیغات تکراری

دیوارنگارها می‌توانند روح شهر باشند، اگر نگاه تخصصی و مشاوره حرفه‌ای جدی گرفته شود

صفحه ۵

ایران در قاب تحلیل و خبر

پنج داستان از امروز؛ محیط زیست، انرژی، فرهنگ و فناوری

تهران و ایران هر روز با خبرهایی روبه‌رو می‌شوند که تصویری روشن از فرصت‌ها و تهدیدهای کشورمان را نشان می‌دهد. خبرها و تحلیل‌های امروز هفت‌صبح را اینجا بخوانید

زیرساخت‌های پیشرفته، در مسیر تسلط بر این فناوری حرکت می‌کنند. ایران با استعدادهای نخبه و فرصت‌های کاهش هزینه، پتانسیل بالایی دارد، اما ناهماهنگی حکمرانی و تأخیر در تصمیم‌گیری و همچنین محدودیت‌هایی که تحریم‌های جهانی برای کشورمان ایجاد کرده، مانع بهره‌برداری از این ظرفیت شده است. اگر ایران نتواند برنامه ملی AI را به‌طور سریع و موثر اجرا کند، فرصت راهبردی خود را از دست می‌دهد و با عقب‌ماندگی فناوری، ریسک کاهش رقابت اقتصادی، محدود شدن قدرت دفاعی و آسیب به نفوذ بین‌المللی مواجه خواهد شد.

اولین فیلم با کارگردانی هوش مصنوعی
از سینمای جهان در آستانه انقلابی تازه قرار گرفت؛ پس از جنجال بر سر حضور بازیگر مجازی «تیلی نورود»، حالا نخستین فیلم ساخته‌شده توسط یک کارگردان هوش مصنوعی معرفی شد. آندره آیرولینو، تهیه‌کننده ایتالیایی، از تولید فیلم «طلات شیرین» خبر داده و اعلام کرده که کارگردانی این اثر را عاملی مجازی با نام «فلین‌ای‌آی» بر عهده دارد. این فیلم روایتی سوررئال از آینده‌ای است که تنها یک درصد انسان‌ها هنوز کار می‌کنند و باقی در فراغت ماشین‌ها زندگی می‌گذرانند. ایرولینو این پروژه را آغاز فصلی نو در تاریخ سینما می‌داند؛ فصلی که پیوندی شاعرانه میان خلاقیت انسانی و هوش مصنوعی است.

نکته: ورود کارگردان مجازی به جهان سینما، بیشتر شبیه روایی دیستوپیایی است که ناگهان واقعی شده است. پس از ظهور بازیگران دیجیتال، حالا نوبت به «کارگردان هوش مصنوعی» رسیده است. موجودی که نمی‌خواهد، بسته نمی‌شود و جهان را از درچه الگوریتم‌ها روایت می‌کند. آیا سینما بدون خطای انسانی، همان جادوی همیشگی را خواهد داشت؟ «طلات شیرین» شاید صرفاً یک تجربه هنری باشد، اما پیامدهایش فراتر از پرده نقره‌ای است. به نظر می‌رسد که ساخت فیلم از طریق هوش مصنوعی، نشانه آغاز گفت‌وگویی جهانی میان ماشین و انسان است. شاید هم گفت‌وگو میان آینده‌ای بی‌وقفه و گذشته‌ای پر از شاعرانه‌ترین اشتباهات باشد. چه می‌دانیم، آینده ثابت می‌کند. اما قاعدتا آینده سینما دیگر هرگز شبیه دیروز نخواهد بود.

رقابت ۱۰۰ میلیارد دلاری هوش مصنوعی در خلیج فارس



هوش مصنوعی امروز زیربنای قدرت اقتصادی، نفوذ ژئوپلیتیک و بازدارندگی دفاعی است و منطقه خلیج فارس وارد رقابت ۱۰۰ میلیارد دلاری در این حوزه شده است. عربستان با پروژه «توسعه تعالی» و امارات با سرمایه‌گذاری MGX، زیرساخت‌های ابری و مراکز داده عظیم ایجاد کرده و با همکاری غول‌های فناوری جهانی، مدل‌های پیشرفته و منابع انسانی را جذب می‌کنند. در مقابل، ایران با وجود استعدادهای نخبه و کاهش چشمگیر هزینه‌های هوش مصنوعی از ناهماهنگی حکمرانی و تأخیر در تصمیم‌گیری رنج می‌برد و فرصت راهبردی خود را در رقابت منطقه‌ای از دست می‌دهد. شاخص‌های استنفورد نشان می‌دهد هزینه استفاده از مدل‌های پیشرفته طی دو سال بیش از ۲۸۰ برابر کاهش یافته و مدل‌های Open-Weight ۷۰ میلیاردی فاصله خود با مدل‌های انحصاری را کاهش داده‌اند. فرصتی که ایران می‌تواند با بومی‌سازی داده‌های فارسی و بهینه‌سازی مدل‌ها از آن بهره‌برد. با این حال، چالش‌هایی همچون فرار مغزها، فقدان چارچوب قانونی و تهدیدات داخلی AI، ریسک امنیت و ثبات اجتماعی را افزایش داده است. برای جبران فاصله با رقبای منطقه‌ای، ایران نیازمند اجرای سریع برنامه ملی AI، تمرکز بر توسعه بومی و ایجاد زیرساخت‌های موثر است.

نکته: هوش مصنوعی به‌عنوان محور اصلی قدرت اقتصادی، دفاعی و نفوذ ژئوپلیتیک، اکنون عرصه رقابت سخت جهانی و منطقه‌ای شده است. کشورهای خلیج فارس با سرمایه‌گذاری‌های کلان و ایجاد

حیاتی کشور زمین‌گیر می‌شوند. واقعا مدیران و مسئولان نمی‌دانند که چه کسانی پشت این شبکه غارت هستند؟ چگونه است که برای خانه‌های مردم قبض‌های سنگین صادر می‌شود اما مزارع ماینینگ غیرمجاز آزادانه نفس برق کشور را می‌پرند؟ مگر نه اینکه وظیفه دولت‌ها حفاظت از منابع ملی است؟ پس چرا همه دولت‌ها یکی پس از دیگری برای مقابله با این تاراج ماموق بوده‌اند؟



مهرگان؛ جشن هم‌آوایی انسان و طبیعت
سیدرضا صالحی‌امیری، وزیر میراث فرهنگی به مناسبت فرارسیدن جشن مهرگان این آیین کهن را «جلی فلسفه مهر، عدالت، اعتدال و همزیستی» توصیف کرد و ثبت جهانی آن در یونسکو را «دستاوردی تمدنی برای جامعه جهانی» خواند.

او گفت: مهرگان، در فرهنگ ایران زمین و گستره تمدن‌های هم‌پیوند با آن، تنها یک آیین کهن نیست؛ بلکه تبلور اندیشه‌ای است که بر مبنای مهر، عدالت، اعتدال، سیاست‌گذاری و همزیستی مسالمت‌آمیز شکل گرفته است. این آیین در طول قرون، از سطح یک جشن ملی فراتر رفته و به نماد فلسفه‌ای جهانی بدل شده است. فلسفه‌ای که می‌تواند در عصر ما با همه چالش‌ها و بحران‌هایش الهام‌بخش بازاندیشی در مسیر آینده مشترک بشریت باشد.

نکته: پیام وزیر میراث فرهنگی برای فرارسیدن جشن مهرگان قابل تأمل و تقدیر است. برگزاری مهرگان می‌تواند فرصت‌های ارزشمندی نیز ایجاد کند. این جشن، بستری برای تقویت هویت ملی، آموزش نسل جوان درباره میراث فرهنگی و توسعه گردشگری داخلی و بین‌المللی فراهم می‌کند. اگر وزارت میراث و سایر وزارتخانه‌های مرتبط از جمله ارشاد، آموزش و پرورش و علوم بتوانند در زنده کردن این جشن موفق باشند، آنگاه حضور فعال مردم در جشن و اجرای آیین‌ها، پوششیدن لباس‌های سنتی و بهین کردن سفره‌های رنگارنگ، حس تعلق به فرهنگ و تاریخ ایران را به‌طور قطع در جامعه تقویت می‌کند و در نهایت به تقویت پیوندهای اجتماعی منجر می‌شود.

نابودشده را زنده کنند. ما با سرزمین‌مان چه کرده‌ایم؟ با بی‌بصانه‌ترین شکل ممکن زمین را دوشیده‌ایم، صنایع را در بیابان کاشته‌ایم و کشاورزی را تا مرز جنون گسترش داده‌ایم. متأسفانه امنیت سرزمینی ما با سرعتی هولناک در حال فروریختن است و همچنان گوشه‌نشینان قدرت، سدسازی و پروژه‌های نمایشی را به‌جای مدیریت پایدار تبلیغ می‌کنند. حکمرانی آب در ایران نیازمند انقلابی فوری و بی‌رحمانه است. باید خیلی زود شاهد پلمپ پامپ‌های غیرمجاز، توقف پروژه‌های ویرانگر، تغییر الگوی مصرف و بازگشت به عقلانیت باشیم. درگیر این صورت باید بدانیم که خاک ترک‌خورده و دشت‌های مرده، فاتحه هر توسعه‌ای را خواهند خواند.

مایرنا مثل زالو برق مردم را می‌مکند



احد آزادی‌خواه، عضو کمیسیون کشاورزی مجلس گفته که همه دولت‌ها مقصر ناترازی انرژی هستند و اظهار کرده که برای مقابله با ناترازی‌ها باید مبارزه جدی و همه‌جانبه با قاچاق برق شود. امروز ماینرها برق مردم را مانند زالو می‌مکند و برخی هم از این راه درآمد کلان و مافیای قدرت و ثروت به‌وجود آورده‌اند.

او راهکار دیگر را مبارزه جدی و همه‌جانبه با قاچاق برق عنوان کرد و گفت: امروز بحث ماینرها بسیار جدی و واقعا فاجعه‌بار است. طبق گزارش ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، تاکنون بیش از ۲۴۵۰ مگاوات برق توسط ماینرهای غیرمجاز مصرف شده است. این رقم نشان‌دهنده فاجعه‌ای بزرگ است. تازه این میزان فقط برای کشف شده‌ها است و معلوم نیست چه تعداد ماینر فعال دیگر در کشور وجود دارد. نکته: همان اتفاقی که برای آب افتاده برای برق هم رخ داده است. یعنی داستان فساد و قاچاق از طریق ماینرها که زالوی برق کشور شده‌اند.

نکته: طبق آمار رسمی درخبر بالا بیش از ۲۴۵۰ مگاوات برق توسط ماینرهای غیرمجاز بلعیده شده است. یعنی برابر با مصرف یک استان بزرگ است و تنها این مقدار فقط چیزی است که کشف شده و مابقی همچنان در حال مکیدن برق مردم‌اند. البته که باید توجه داشته باشیم مردم هر تابستان با خاموشی‌های پی‌درپی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و صنایع

آب‌های زیرزمینی از خط هشدار هم عبور کردند



در خبرها خواندیم که آب‌های زیرزمینی از خط هشدار هم عبور کردند. آب‌های زیرزمینی که زمانی پشتوانه توسعه و امنیت کشور بودند، امروز در آستانه یک فاجعه آبی قرار دارند. به تازگی محمد جوان‌بخت، معاون وزیر نیرو و به‌ندار نسبت به وضعیت بحرانی، اجرای طرح‌های تعادل‌بخشی را نه انتخاب، که یک اجبار قانونی دانست و تأکید کرد: آب به اولویت ملی بدل شده است. واقعیت این است که با جمعیتی بیش از ۸۵ میلیون نفر، استقرار صنایع در مناطق خشک و مصرف افسارگسیخته، سفره‌های زیرزمینی در حال نابودی‌اند. او با بیان اینکه تالاب‌ها، رودخانه‌ها و آبخوان‌ها در معرض تهدید جدی قرار دارند، تشکیل کارگروه ویژه برای تمرکز بر اقدامات تعادل‌بخشی را ضروری دانست و تصریح کرد: هر چند طرح‌های توسعه‌ای بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند، اما مسیر حفاظت از منابع آب، مسیری دشوار و غیرقابل بازگشت است.

سیاوش خردمند، کارشناس حوزه مدیریت منابع آبی نیز گفته که: افزایش جمعیت از ۱۹ میلیون نفر در میانه دهه ۳۰ به بیش از ۸۵ میلیون نفر در سال‌های اخیر، فشار مضاعفی بر منابع آبی تحمیل کرده است. استقرار صنایع و تمرکز جمعیت در مناطق خشک و کم‌آب، بدون توجه به ظرفیت طبیعی، بحران را تشدید کرده و الگوهای نادرست مصرف را به ساختاری پایدار تبدیل کرده است.

نکته: فاجعه در زیر پای مادر حال رخ دادن است. اما گویا نمی‌بینیم و نمی‌شنویم. آب‌های زیرزمینی ایران همان پشتوانه مطمئنی که روزگاری ما را در برابر خشکسالی‌ها نجات می‌داد، سال‌ها با برداشت بی‌رحمانه، نابودی تالاب‌ها و بی‌تدبیری سیاست‌گذاران، رگ‌های حیاتی سرزمین‌مان را خشک کرده است.

۱۵۰ میلیارد مترمکعب آب زیرزمینی از دل این خاک بیرون کشیده شده، بی‌آنکه کسی حساب کند بهایش چه خواهد بود. فرونشست زمین، ترک‌خوردگی دشت‌ها، نابودی تالاب‌ها و تهدید امنیت غذایی را می‌توانیم بخش کوچکی از این بهای سنگین بدانیم. چرا بخش کوچکی؟ چون این فاجعه برگشت‌ناپذیر است و باران‌ها و سیلاب‌ها نمی‌توانند آبخوان‌های



قانونی شدن کشت خشخاش تهدیدی جدی برای جنگل‌های غرب ایران

زاگرس خشخاشی می‌شود؟

لیلا مرگن
هفت صبح

این روزها که دولت به دنبال قانونی کردن کشت خشخاش است، لایحه‌ای سخت‌گیرانه در زمینه تکرار تخلفات در حوزه کشت غیرقانونی این محصول تدوین و راهی مجلس شده است. بر اساس این لایحه اگر فردی سه بار در زمین زراعی خود اقدام به کشت بدون مجوز خشخاش کند، علاوه بر حبس و جریمه نقدی، زمینش مصادره خواهد شد. کارشناسان بر این باورند که در صورت تبدیل این لایحه به قانون، هجوم به جنگل‌های زاگرس برای کشت خشخاش افزایش می‌یابد و پست‌تر جنگل‌های غرب کشور که امروز به دلیل دور از دید و دسترس بودن، به کشت این مخدر اختصاص یافته، بیش از گذشته درگیر کشت خشخاش شود.

آمارهای رسمی، سطح جنگل‌های زاگرس را حدود ۶ میلیون هکتار اعلام می‌کنند؛ اما این جنگل‌ها بیشتر از آنکه کارکرد جنگل داشته باشند، شبیه به درخت‌زارهایی هستند که موقعیت بسیار شکننده‌ای دارند. این عرصه‌ها از دیرباز مورد هجوم و بهره‌برداری‌های ناعادلانه از سوی جامعه محلی قرار داشته و

امروز، بیش از یک و نیم میلیون هکتار از کف جنگل‌های زاگرس به کشت گندم و جو، اختصاص یافته است. در یک دهه اخیر، کشت خشخاش هم به این کلکسیون اضافه شده و مشکلات زاگرس را بیشتر کرده است. از آنجاکه درآمد حاصل از یک کشت ممنوعه برای جامعه محلی جذاب است، طی یک دهه اخیر، بخشی از درختان زاگرس قطع شده و به جایش خشخاش کاشته‌اند. برخی از حریق‌های رخ داده در زاگرس را به همین کشت غیرمجاز نسبت می‌دهند؛ زیرا گروهی مدعی هستند که صاحبان اراضی زیر کشت وقتی زمین‌هایشان لو رفته و از سوی مأموران امحا می‌شوند، برای انتقام دست به سوزاندن جنگل‌ها می‌زنند. گروهی دیگر هم معتقدند که آتش‌افروزی در دل جنگل‌های زاگرس، باهدف آزادسازی زمین برای کشت خشخاش انجام می‌شود. آنچه این روزها کارشناسان جنگل را نگران کرده است، تلاش دولت برای کشت قانونی خشخاش است. دولت باهدف تأمین نیازهای دارویی قصد دارد خشخاش را به زمین‌های کشاورزی ایران بازگرداند و محمدترجمی مدیرکل حقوقی و مجلس ستاد مبارزه با مواد مخدر از ارسال لایحه‌ای به مجلس خبر می‌دهد که بر اساس آن کشت غیرقانونی خشخاش در بار اول جریمه نقدی، بار دوم جزای نقدی و زندان و در مرحله سوم جزای نقدی،

اگر در زمین‌های عرفی زیر آشکوب زاگرس خشخاش کشت شود، افراد به راحتی می‌توانند منکر کشت این محصول شوند. به همین دلیل، کشت زیر آشکوب در جنگل‌های زاگرس افزایش خواهد یافت



جنگل‌های زاگرس کارکردهایی مثل تولید آب، اکسیژن، حفاظت از خاک و تعدیل اقلیم دارند و به دلیل بحران آبی که با آن مواجه هستیم، این جنگل‌ها اهمیت بسیار زیادی برای کشور دارند



زندان و مصادره زمین را به همراه خواهد داشت. سیاستی که به اعتقاد کارشناسان حوزه جنگل، کشت غیرقانونی در پای درختان جنگل‌های زاگرس را توسعه می‌دهد و حیات جنگل‌های زاگرس را با خطر جدی مواجه می‌کند.

کشت پای درختان زاگرس، خطری جدی کیومرث سفیدی اکولوژیست و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با «هفت صبح» کشت در زیر آشکوب (زمین کف جنگل) جنگل‌های زاگرس را عاملی برای از بین رفتن خاک معرفی کرده و یادآور می‌شود که آگروفاستری (جنگل زراعی) در ایران می‌تواند ما را با مخاطرات جدی روبرو کند. زیرا کشورهایی که در آنها آگروفاستری انجام می‌شود، عمدتاً در مناطق مدیترانه‌ای، اسپانیا، آمریکا و جنوب اروپا واقع شده‌اند و به این شکل نیست که در پای درختان جنگل، کشت انجام شود؛ بلکه کشاورزان نسبت به کشت درخت در داخل زمین‌های کشاورزی که نیاز به پوشش دارند، اقدام می‌کنند و یا در کشورهای مدیترانه‌ای که به اندازه کافی از پوشش جنگلی برخوردار هستند، در جاهایی که زیتون به‌عنوان گونه وحشی آن منطقه وجود دارد، کشت زیر آشکوب هم انجام می‌دهند و آن منطقه تبدیل به یک سیستم آگروفاستری می‌شود. در برخی کشورها دام را هم می‌آورند؛ مثلاً در آلمان مدل‌هایی وجود دارد که از زیر درخت‌های بلوط برای پرورش خوک استفاده می‌شود؛ اما ایران یک کشور فقیر از نظر پوشش گیاهی و جنگل است و شرایطش با هیچ یک از این کشورها قابل‌قیاس نیست.

به گفته سفیدی جنگل‌های زاگرس کارکردهایی مثل تولید آب، اکسیژن، حفاظت از خاک و تعدیل اقلیم دارد و به دلیل بحران آبی که با آن مواجه هستیم، این جنگل‌ها اهمیت بسیار زیادی برای کشور دارند و باید به‌جای کشت زیر آشکوب در این اکوسیستم، پوشش موجود حفظ شود و برنامه احیایی برای آن تعریف شود. این اکولوژیست و استاد دانشگاه توضیح می‌دهد: برنامه احیایی برای زاگرس به بیش از ۱۰۰ تا ۱۵۰ سال زمان نیاز دارد؛ اما از آنجایی که عمر مدیریت در سازمان منابع طبیعی کوتاه است و جنگلیان یا مدیری تربیت نکرده‌ایم که بیشتر عمر خدمتی خود را در یک منطقه صرف کرده و آن منطقه را تحویل مدیر بعدی بدهد، در رابطه با اجرای برنامه‌های احیایی در زاگرس موفق نبوده‌ایم، درحالی‌که حیات این جنگل‌ها به تداوم زندگی در مرکز ایران و معیشت جامعه محلی گره خورده است.

احتمال افزایش شخم و شیپار در جنگل‌های زاگرس حمیدرضا افرنده کارشناس جنگل نیز در گفت‌وگو با «هفت صبح» احتمال توسعه کشت در پای جنگل‌های زاگرس را جدی می‌داند زیرا مردم به‌صورت عرفی در کف

جنگل‌های زاگرس اقدام به کشاورزی می‌کنند؛ اما وقتی این زمین‌ها کشف می‌شود، نمی‌توان مالکیت افراد را اثبات و آنها را بازخواست کرد. اگر در زمین کشف شده خشخاش کشت شده باشد، افراد به راحتی می‌توانند منکر کشت این محصول شوند و به همین خاطر در صورت قانونی شدن کشت خشخاش کشت زیر آشکوب در جنگل‌های زاگرس افزایش خواهد یافت و حتی ممکن است جامعه محلی به این سمت برود که در اراضی عرفی خود اقدام به کشت خشخاش کند. زمین‌های عرفی برای جنگل‌های محصول ممنوعه را بکار.

به گفته این کارشناس جنگل، توسعه کشت در جنگل‌های زاگرس زمینه تخریب بیشتر این اکوسیستم را فراهم می‌کند اما می‌توان راهی یافت که میزان خسارات وارده به جنگل به حداقل برسد.

او که چهار سال قبل طرحی در این زمینه تدوین کرده، بر این باور است که جنگلداری اجتماعی می‌تواند چاره کار باشد و بهتر است به‌جای اختصاص زمین‌های کشاورزی به کشت خشخاش، زمین‌های عرفی پای جنگل‌های زاگرس به کشت این محصول اختصاص یابد؛ زیرا برای رفع نیازهای دارویی و... در کشور به ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار هکتار زمین نیاز داریم که اگر در هر هکتار به‌طور متوسط پنج تن گندم تولید شود، سالانه ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تن گندم را با جایگزینی کشت خشخاش در مزارع در این شرایط سخت تحریمی از دست خواهیم داد. درحالی‌که اگر در قالب ماده سه قانون حفاظت و بهره‌برداری مصوب سال ۱۳۴۶، اراضی که به‌صورت عرفی در جنگل‌های زاگرس به کشت گندم و جوا اختصاص داشتند، قانوناً در قالب کشت محصولات فرعی به مالکان عرفی واگذار شوند، علاوه بر تأمین نیازهای دارویی، مزایای دیگری برای کشور رقم خواهد خورد. افرنده می‌گوید: برای اجرای این طرح ابتدا باید از صاحبان عرفی زمین تعهد محضری گرفته شود تا مالکیت سازمان منابع طبیعی بر آن عرصه‌ها را به رسمیت بشناسند. با این اقدام، تکلیف یک و نیم میلیون هکتار اراضی اختلافی بین دولت و جامعه محلی برای همیشه روشن می‌شود. از سوی دیگر می‌توان آنجایی که عمر مدیریت در سازمان منابع طبیعی جامعه محلی که خشخاش کشت می‌کند، واگذار کرد و بهره مالکانه حاصل از کشت خشخاش را صرف احیای جنگل کرد. ضمن آنکه با دریافت مالیات مستقیم از افراد، بنیه اقتصادی کشور را هم تقویت کرد.

کشت عرفی در زیر آشکوب جنگل‌های زاگرس سابقه‌ای طولانی دارد و این پدیده زمینه زوال جنگل‌های بلوط را فراهم کرده است. اخیراً سازمان برنامه‌بودجه، اعتباری خاص برای جنگل‌های زاگرس در نظر گرفته که صرفاً صرف بر گزاری همایش‌های بی‌نتیجه می‌شود. آیا این بار دولت صدای کارشناسان را می‌شنود و تهدید ایجاد شده برای جنگل‌های زاگرس را تبدیل به یک فرصت خواهد کرد؟

یادداشت

قطعات ۱۰ هکتاری غیر قابل فروشند



بهزاد انگورج

معاون اسبق امور جنگل سازمان منابع طبیعی

نه تنها آحاد جامعه و کنشگران اجتماعی بلکه تمام مقامات کشور و مخصوصاً نهاد رهبری از تخریب جنگل‌ها و کاهش مساحت آن سخن گفته و می‌نویسند؛ اما از خودشان نمی‌پرسند که روند کاهش مساحت جنگل‌ها چگونه طی می‌شود و چرا جنگل‌ها در فرایند تخریب قرار می‌گیرند؛ یا اینکه چرا اقدامات حاکمیت در مقابله با جنگل‌خواری، تخریب جنگل‌ها و قاچاق چوب بی‌تأثیر است.

کافی است بر یکی از موارد رانت‌سازی دولت و مجلس در قبل از انقلاب تامل کنیم. بله درست در همان سالی که قانون حفاظت و بهره‌برداری تصویب شد و سازمان جنگلیانی به‌موجب قانون، به وزارت منابع طبیعی ارتقا یافت، جنگلیان‌ها در اجرای مقررات ماده ۳۳ این قانون، حدود ۸۶۰۰ هکتار از جنگل‌های جلگه‌ای غرب مازندران را برای رفع تعارض دام و جنگل و خروج زراعت و باغ از داخل جنگل‌های منطقه، به کشاورزی اختصاص دادند، اما دولت و مجلس در سال ۱۳۴۸ یعنی دو سال بعد با اصلاح قانون، این جنگل‌های جلگه‌ای تفکیک شده به قطعات ده هکتاری را به‌جای واگذاری به دامداران و کشاورزان با حذف ترتیب حق تقدم، به وابستگان دربار واگذار کردند و دست جنگلیان‌ها خالی ماند به این ترتیب دولت و مجلس با اصلاح قانون برای همیشه خرمای تعارض بر نخیل را برای جنگلیان باقی گذاشتند.

تعارض دام و جنگل به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل تخریب جنگل‌ها کماکان در این اکوسیستم همچنان یک معضل جدی است و این تجربه تلخ در اوایل انقلاب با مصادره کردن اموال برخی از وابستگان دربار شاه مخلوع به شکل دیگری تکرار شد. حدود ۷۶ قطعه از قطعات ده هکتاری مصادره شدند و با به نهاد‌های عمومی مانند: کمیته امداد، ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره)، بنیاد شهید و بنیاد مستضعفان و جانبازان واگذار کردند و بنیاد مستضعفان ۲۸ قطعه از قطعات ده هکتاری را در اختیار دارد.

بدیهی است که دولت هیچ بدهی به این نهادها ندارد و این قطعات دارای طرح اجرایی را به این نهادها واگذار کرده است تا آنها از درآمد‌های حاصل از اجرای طرح، هدف‌های نهادی را تحقق ببخشند. زمان گذشت و عرصه اختصاص داده‌شده برای اجرای طرح‌های اقتصادی، مشمول مرور زمان شد و آن طرح‌ها اجرایی نشد. امروز تصور این نهادها این است که مالک این قطعات هستند، درحالی‌که دولت دیونی به این مجموعه‌ها ندارد تا رد دیونی انجام شود.

حال پرسش اینجاست که چرا نهاد‌ها طرح اقتصادی مرتبط با این قطعات را اجرا نمی‌کنند؟ چرا دستگاه‌های نظارتی کشور در مورد مقابله با زمین‌خواری به تکلیف قانونی خود عمل نمی‌کنند؟ حقوق عمومی مستتر در این اموال عمومی مصادره‌ای دارای طرح، بدون رعایت مقررات قانون حفاظت و بهره‌برداری بر حسب چه قانونی توسط نهاد‌ها به فروش می‌رسد؟ بدیهی است که فروش این قطعات برای مالکان آنها به نحو مشروط مجاز است و خریداران ملزم به رعایت مفاد قرارداد اجاره اولیه و شرط مندرج در متن سند مالکیت هستند. اما نهاد‌های عمومی که بر حسب حکم محاکم قضایی، اموال مصادره‌ای در اختیار آنها قرار گرفته است، مالک قطعات نیستند و اموال مصادره‌ای عملاً اموال عمومی در اختیار محسوب می‌شوند و به همین خاطر نهاد‌ها باید این اموال عمومی را در راستای وظایف نهادی خود مدیریت کنند. در حال حاضر مقرراتی برای فروش این قطعات وضع نشده است.

وقت آن است که مقامات کشور گفتار و رفتار واحدی را برای حفاظت از منابع جنگلی و کنترل عوامل تخریب جنگل‌ها به اجرا بگذارند و حقوق مستتر در قطعات ده هکتاری را وفق مقررات تبصره ماده ۷ قانون حفظ و گسترش فضای سبز کشور، مصوب ۱۳۵۴ به خرید و تهاتر با مالکان قطعات افزاز و تفکیک شده، به نفع جنگل‌ها تأدیه کنند و قطعاتی که در اختیار نهاد‌هاست، اما اراده‌ای برای ادامه اجرای طرح مرتبط ندارند را برای تحقق هدف‌های اولیه یعنی تبدیل و واگذاری یا پس‌گیری کرده و به منابع طبیعی تحویل دهند.



تنوع موجود در بین ذی‌نفعان از تشکیل یک تعاونی با شراکت مردم محلی خبر می‌دهد که قرار است این تعاونی برنامه‌ای که سازمان حفاظت محیط‌زیست، بنیاد مسکن و استانداری بر آن توافق می‌کنند را اجرا کند. او می‌گوید: به این ترتیب ۱۳ مرکز اقامتگاهی، چندین مرکز فروشگاهی، مرکز بازدیدکنندگان، مراکز مراقبتی، بهداشتی، ایمنی و... احداث شود و مدیریت آن به‌صورت مشترک در اختیار این تعاونی قرار خواهد گرفت.



زیستی و طبیعت اجرایی شود. او اضافه می‌کند: بر همین اساس ساخت‌وساز در این جزیره به منطقه روستایی منتقل شد و دستگاه‌ها توافق کردند که وزن‌های تفرجگاهی بزرگ فقط به فعالیت‌هایی اختصاص پیدا کند که کمترین اثرگذاری بر طبیعت را دارد. معاون محیط‌زیست طبیعی سازمان محیط‌زیست تعیین تکلیف سرمایه‌گذاری که قبلاً در این جزیره برای مشارکت در اجرای طرح مدیریت منطقه انتخاب شده بود را یکی از

اجرای طرح گردشگری آشوراده پس از دو دهه با همکاری مردم محلی و تعاونی آغاز شد

آشوراده آماده گردشگری پایدار

گروه اجتماعی | اجرای طرح گردشگری در آشوراده بیش از دو دهه محل مناقشه بوده و بارها طرح‌های گردشگری تصویب شده برای تنها جزیره دریای خزر به پایگانی سپرده شده است. اما این بار معاون محیط‌زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط‌زیست از تلاش برای جلب مشارکت جامعه محلی و تشکیل یک تعاونی برای اجرای طرح گردشگری در این جزیره خبر می‌دهد.

سابقه تدوین طرح گردشگری برای جزیره آشوراده به سال ۱۳۸۳ بازمی‌گردد. نخستین طرح برای تنها جزیره دریای خزر در روزهای پایانی دولت هشتم به تصویب رسید و در سال ۸۴ در دولت نهم سازمان میراث فرهنگی و گردشگری طی موافقت‌نامه‌ای مجوز تأسیس منطقه نمونه گردشگری ملی جزیره آشوراده را صادر کرد؛ اما این طرح هرگز اجرایی نشد و صرفاً این جزیره به‌عنوان منطقه نمونه گردشگری به ثبت رسید.

بارها موضوع اجرای طرح‌های گردشگری در این جزیره روی خروجی خبرگزاری‌ها قرار گرفت؛ ولی به دلیل نبود زیرساخت یا اختلاف‌نظر کارشناسان درباره نحوه اجرای برنامه، این طرح‌ها به دست فراموشی سپرده شد. در سال ۹۳ حسن روحانی رئیس‌جمهوری وقت اعلام کرد که جزیره آشوراده استان گلستان در دریای خزر با مراعات مسائل زیست‌محیطی به یک مرکز گردشگری تبدیل خواهد شد؛ به‌طوری‌که بخشی از این جزیره به‌صورت طبیعی باقی می‌ماند و بخش دیگر آن با فراهم‌شدن زیرساخت‌های لازم به منطقه

انیمه؛ اکسیژن تازه

در ریه‌های فرسوده پلتفرم‌ها

بابک نبی

دبیر فرهنگ و هنر



در جهان هنر، ذهن خالق همواره نیازمند چشیدن طعم سرزمین‌هایی تازه است؛ قلمروهایی که قانونشان با عرف معمول متفاوت باشد و افقشان دورتر از قاب‌های آشنا. انیمه، برای بسیاری از هنرمندان جهان، چنین قلمرویی بوده است؛ خاکی که از دل جوهر و کاغذ روییده، اما در روح و جان پرده‌های سینما تنفس کرده است.

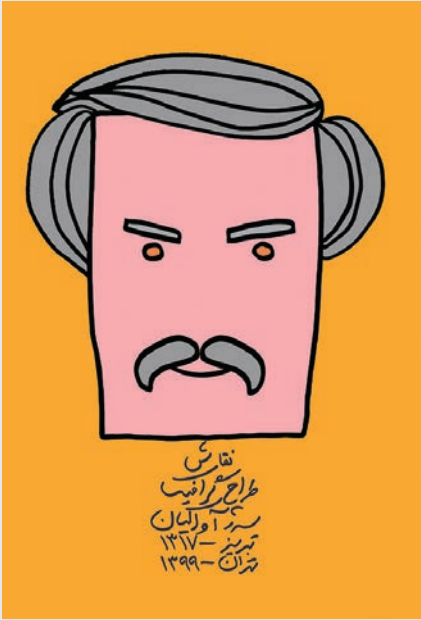
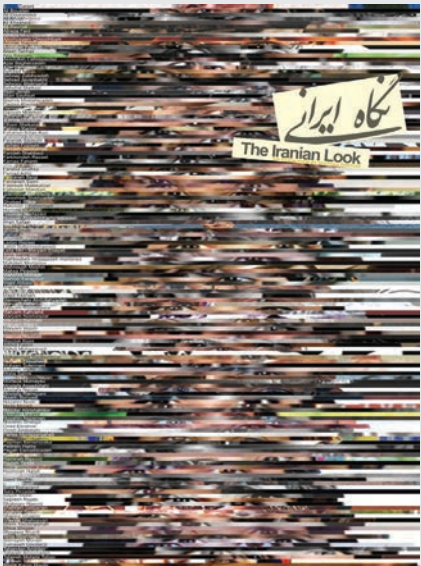
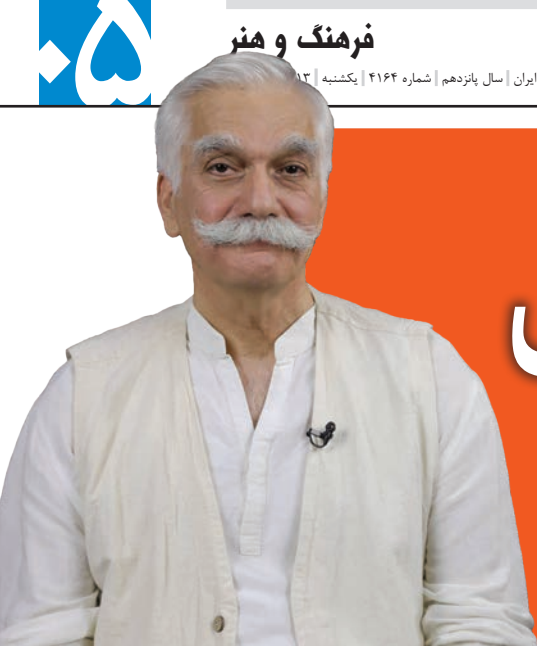
تماشای انیمه برای یک فیلمساز یا سریال‌ساز ایرانی، به‌ویژه در عرصه پرستاب شبکه نمایش خانگی، تجربه‌ای شبیه باز کردن پنجره‌ای به شهری است که هر کوچک‌اش بوی ناشناخته‌ها می‌دهد. شهری که در آن، ابرها شکل دیگری دارند، قوانین زمان انعطاف‌پذیرند و شخصیت‌ها قدرت عبور از مرزهای منطق رایج را دارند.

جهان سینما شاهد آثار بزرگی بوده که ریشه‌شان در خاک انیمه و مانگا کاشته شده است. «Ghost in the Shell» در میانه دهه نود، تصویری از آینده و انسان-ماشین را ترسیم کرد که الهام‌بخش بسیاری از آثار علمی-تخیلی شد. بعدها اقتباس زنده‌ای از آن ساخته شد، با تمام تغییراتش، اما سایه فلسفه و زیبایی‌شناسی نسخه اصلی همچنان بر سر اثر سنگینی می‌کرد. «Edge of Tomorrow» با نام کرو و امیلی بلانت، برگرفته از زمانی زاینی و پیش‌تر مانگایی بود که چرخه زمان را با نبردهای مهیب پیوند زد. «Alita: Battle Angel» نیز از دل یک مانگای پراشوب بیرون آمد و با جلوه‌های بصری خیره‌کننده، جهانی نیمه‌ویران و نیمه‌روایی را زنده کرد. «Perfect Blue» شاهکار روانشناختی ساتوشی کن، با روایت وسواس‌گونه از شهرت و هویت، الهام‌بخش فیلمسازانی چون دارن آرونوفسکی در «Black Swan» شد. حتی «The Matrix» با آن که اقتباس مستقیم از انیمه نبود، با الهام‌گیری آشکار از «Akira» و «Ghost in the Shell» شکل گرفت؛ مجموعه‌ای که نگاه نسل جدید فیلمسازان غربی را به مفهوم واقعیت تغییر داد.

برای فیلمساز ایرانی، این آثار می‌توانند همچون کلاس‌های آزاد خلاقیت عمل کنند. شیوه‌ای که در آن شخصیت‌ها لایه‌به‌لایه شکل می‌گیرند، جهان داستانی با جزئیات دقیق معماری می‌شود و هر پلان، فراتر از روایت صرف، حامل مفهومی مستقل است. انیمه نشان می‌دهد که یک داستان عاشقانه می‌تواند در دل جنگ ستارگان روایت شود یا فلسفه زندگی در مکالمه یک کودک و ربات شکل بگیرد.

شبکه نمایش خانگی ایران، این روزها بیش از آنکه میدان تجربه‌های تازه باشد، به ورطه قصه‌های تکراری و کلیشه‌ای افتاده است. نمونه‌های اخیر همچون «شنغال» و «از یاد رفته» با مضامینی دم‌دستی، دیالوگ‌های پیش‌بینی‌پذیر و ساختاری فاقد ریسک هنری، گواه این رکودند. در حالی که مخاطب، به واسطه تماس با آثار جهانی، توقع قصه‌هایی دارد که در فرم و محتوا جسارت بیشتری داشته باشند، بسیاری از تولیدات داخلی همچنان در مدار امن و بی‌خطر روایت‌های مصرفی می‌چرخند. فراتر از قصه، زبان بصری انیمه‌ها خود منبعی پایان‌ناپذیر برای الهام است. از رنگ‌های اغراق‌شده تا ترکیب‌بندی‌های غیرمتعارف، از حرکت دوربین که مرز فیزیک را درمی‌نورد تا سکوت‌هایی که بلندتر از هر دیالوگ سخن می‌گویند. این ویژگی‌ها، برای کارگردانی که می‌خواهد امضای شخصی‌اش را در قاب بگذارد، حکم جواهری کمیاب دارد.

تماشای انیمه، دعوتی است به تجربه جهان‌هایی که پیش از این در دسترس نبوده‌اند؛ جهانی که در آن، فرم و محتوا پیوندی ناگسستنی دارند و هر قاب، فرصت اندیشیدن است. برای هنرمند، این تجربه می‌تواند همان لحظه‌ای باشد که مسیر حرفه‌ای‌اش را به سمت افق‌های تازه هدایت کند.



میرزا علیخانسی بر اهمیت نظارت دقیق، تخصص و تصمیم‌گیری بر اساس دانش و تجربه تأکید می‌کند و هشدار می‌دهد که بدون رعایت این اصول، خطاهای بزرگ و آسیب‌های جدی به صنعت وارد خواهد شد: «در کشورهای پیشرفته، رقابت در تبلیغات به‌صورت هوشمندانه و هدفمند است، اما در کشور ما این رقابت‌ها کم‌اهمیت و بی‌هدف باقی مانده و همین مسئله کیفیت و تأثیرگذاری تبلیغات را تحت‌الشعاع قرار داده است.»

او برنامه‌ریزی را از مولفه‌های مهم پیشبرد اهداف می‌داند و از نبود آن در حوزه فرهنگ و هنر انتقاد می‌کند. همچنین بر اهمیت تشکیل و حمایت از انجمن‌های صنفی و هنری تأکید دارد و توضیح می‌دهد: «این انجمن‌ها پایه‌های اصلی توسعه و قدرت‌گیری کشور طلسمند، چرا که می‌توانند در حوزه‌های مختلف فرهنگی و هنری نقش آفرینی کرده و کشور را به سمت توسعه سوق دهند.»

این استاد گرافیک در پایان گفت‌وگو بر ضرورت حمایت و تقویت این انجمن‌ها تأکید می‌کند و می‌گوید اگر توانایی لازم را ندارند، باید تحت حمایت قرار گیرند تا بتوانند نقش مؤثرتری در ساختن جامعه و تقویت پایه‌های کشور ایفا کنند. او با تشبیه انجمن‌ها به قطعات ماشین، اهمیت وجود و فعالیت آن‌ها را در پیشرفت کشور این‌گونه بیان می‌کند: «هرچه این نهادها پیشتر و قوی‌تر باشند، کشور قوی‌تر خواهد شد.»

فرهنگ و هنر

روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۲۱۶۴ | یکشنبه | ۱۳۹۲

گفت‌وگو با ایرج میرزا علیخانی درباره گرافیک و دیوارنگارهای شهری

گرافیک؛ گرفتار تبلیغات تکراری و سیاست‌های بی‌برنامه

● دیوارنگارها می‌توانند روح شهر باشند، اگر نگاه تخصصی و مشاوره حرفه‌ای جدی گرفته شود



فاطمه برزویی
هفت صبح

دیوارنگاری هنری‌ست برخاسته از گرافیک؛ زبانی تصویری که از دیرباز بر دیوارهای شهرها جاری شده و امروز در بلبوردها، ایستگاه‌های مترو و میدان‌های پرفت‌وآمد جلوه‌گر می‌شود. گاهی روایتگر سیاست است، مثل دیوارنگارهای معروف میدان ولیعصر و گاهی روایتگر آرامش، هویت و زیبایی برای شهر.

برای واکاوی جایگاه گرافیک در این هنر شهری با ایرج میرزا علیخانی به گفت‌وگو نشستیم. طراح و گرافیست برجسته‌ای که نمایشگاه «نگاه ایرانی» او در بسیاری از کشورها تحسین شده است. او از اعضای هیأت موسس و اولین هیئت مدیره «انجمن صنفی شرکت‌های تبلیغاتی ایران» است. میرزا علیخانی دآوری جشنواره‌های معتبر جهانی را در کارنامه دارد و با حضور در بینال‌های بین‌المللی پوستر در چین، لهستان و فنلاند توانسته نگاه ایرانی به گرافیک را در سطح جهانی به نمایش بگذارد؛ نگاهی که هم ریشه در سنت دارد و هم بازتابی از امروز شهرهای ماست.

زیبایی شهری در قاب دیوارنگارها

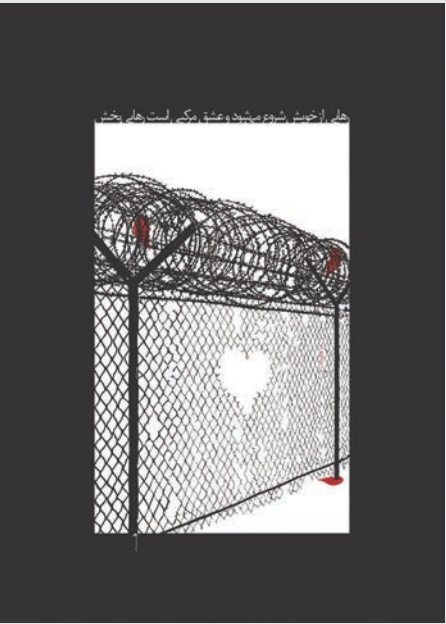
هر موضوعی اهمیت خاص خودش را دارد و بحث دیوارنگارها نیز از این قاعده مستثنا نیست. این آثار هنری، نقش مهمی در شکل دادن به سیمای شهر و زیباسازی فضای شهری ایفا می‌کنند. میرزا علیخانی در این‌باره توضیح می‌دهد: «دیوارنگارها مجموعه‌ای از عناصر شهری هستند؛ مثل چراغ‌ها، بلبوردها، علائم و نگاره‌ها که با هم پیوند خورده‌اند و هدف اصلی‌شان زیبا کردن شهر و ایجاد حس لطافت و آرامش در دل شهروندان است. اهمیت آنها در دیده شدن، انتخاب محل مناسب نصب، موضوع و زمان اجرای طرح نهفته است. باید در انتخاب موضوع‌ها دقت و حساسیت لازم را داشت، مخصوصاً وقتی که ممکن است تأثیرات منفی یا مزاحمت‌های بصری ایجاد کنند.»

نگهداری و مراقبت از این دیوارنگارها نیز موضوعی است که کمتر به آن توجه شده است. او می‌گوید: «برای اجرای طرح‌ها و آثار هنری باید شناخت کامل از محیط و شرایط کشور داشت تا دوام و زیبایی آن‌ها حفظ شود.» به عنوان مثال، درباره گلکاری‌های دیواری در خیابان نیایش تأکید می‌کند که وجود یک سیستم آبیاری و نگهداری مناسب، کلید حفظ زیبایی و ماندگاری این طرح‌هاست. زیربای توجهی به این نکات، باعث خراب شدن و زشت شدن ظاهر دیوارها می‌شود.

نیاز به مشاوره تخصصی در گرافیک محیطی

گرافیک حوزه‌ای تخصصی است که شاخه‌های متعددی دارد. یکی از این شاخه‌ها، گرافیک محیطی است که مثل بسیاری از هنرهای دیگر، بر پایه نیازهای ویژه و سفارش‌های دقیق شکل می‌گیرد. ایرج میرزا علیخانی در این‌باره می‌گوید: «درک درست خواسته‌های سفارش‌دهنده و انتقال صحیح پیام اهمیت زیادی دارد. اما در کنار این، مشاوره‌های تخصصی و انتخاب مشاوران حرفه‌ای نقش حیاتی دارند. چون در پروژه‌های شهری، استفاده از افراد متخصص و آگاه به مسائل فرهنگی و زیبایی‌شناسی، تضمین می‌کند که نتیجه نهایی هماهنگ با اهداف مورد نظر باشد.»

او همچنین به چالش‌های استاندارد‌سازی و مدیریت پروژه‌های شهری اشاره می‌کند و می‌گوید: «باید با دقت و تخصص تصمیم گرفت و از تصمیم‌های سطحی و غیرحرفه‌ای پرهیز کرد. اهمیت نظارت دقیق و مشاوره درست زمانی بیشتر خود را نشان می‌دهد که هر قدم بر پایه دانش و تجربه برداشته شود تا از اشتباهات بزرگ جلوگیری شود.»



روایت خاموشی فریدون فروغی، خواننده‌ای که صدایش از جنس اعتراض و حسرت بود

زندون دل، خانه ابدی صدا

در روستای دورافتاده‌ای آرام گرفت، اما پژواک صدایش هنوز در دل ترانه‌ها می‌چرخد. فریادی خاموش که در حافظه موسیقی ایران بی‌پایان است

فروغی در پایان زندگی‌اش، غرق در یأس و سرخوردگی بود. نزدیکانش می‌گویند این ناامیدی بود که او را از پا انداخت. یادداشت‌های شخصی‌اش، گواهی بر این درد است: «گاهی امید بر سبزه‌زار تنم نقش می‌زند و گاهی یأس، تمامی جوانه‌های امید را چون خوره می‌خراشد و بدین‌سان زندگی دردآلودم می‌گذرد.»

سرانجام، در روز جمعه، سیزدهم مهرماه ۱۳۸۰، فریدون فروغی در منزلش در تهران‌پارس، در اثر سکته قلبی درگذشت. او را در روستای قورقورک، کنار برکه‌ای کوچک، به خاک سپردند. شهیار قنبری، با بیانی شیوا، سرنوشت فروغی را چنین ترسیم کرد: «فریدون فروغی برای دومین بار می‌میرد. نخستین بار وقتی مرد که سکوت کرد و دومین بار وقتی مرد که می‌خواست بخواند. فروغی را فراموشی و خاموشی کشت.»

امروز، در سالگرد فقدان او، صدای فریدون فروغی زنده است؛ صدایی که از دل تاریک‌ترین تنگناها و زندون دل‌ها برخاست و تا ابدیت در حافظه موسیقی ایران باقی ماند.

او «یار دبستانی» را برای فیلم «از فریاد تا ترور» خواند. ترانه‌ای که سرود همبستگی نسل‌ها شد، اما بلافاصله دستور رسید که صدای فروغی از تیتراژ فیلم حذف شود و مهر تأییدی بود بر ممنوعیت فعالیت دائم او. از اوایل دهه شصت، فریدون به حاشیه‌انزوا رانده شد. با وجود پیشنهاد سفر و کار در خارج از کشور، فروغی وطن را رها نکرد. سفرش به دوی در سال ۱۳۶۵، او را تا آستانه مهاجرت برد، اما وفاداری به ایران، او را از رفتن بازداشت. او ماند و چشم‌پره‌راه شکستن طلسم سکوت.

پایان در سکوت، حیات در ترانه

تلاش‌های فروغی برای بازگشت به صحنه بی‌نتیجه ماند. برگزاری چند کنسرت محدود در جزیره کیش در سال‌های ۷۷ تا ۷۹. تنها کورسوی امیدی بود که به‌سرعت خاموشی گرایید. حتی خواندن شعر نیمایوشیچ، «می‌تراود مهتاب» برای فیلم «دختری به نام تندر» نیز تغییری در وضعیت نداد.

آواز غریب در عصر جدید

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، فروغی در ایران ماند و کنسرت‌هایی برگزار کرد که نوید آوازی نو را می‌داد. اما تاریخ، عادت به تکرار دارد. سال ۱۳۵۹،

تازه، فروغی را یافت. زمزمه ترانه‌ها کافی بود تا هریاتش بداند گوهر خود را پیدا کرده است. «ادمک» و «پروانه من» با موسیقی تورج شعبان‌خانی، بر سر زبان‌ها افتاد و فروغی را به شهرت رساند. اگرچه در ابتدا برخی شباهت صدایش با فرهاد مهراد را مطرح می‌کردند، گذر زمان ثابت کرد که فروغی، یک هویت هنری مستقل دارد. او که تا پیش از آن زیر سایه ارادت به ری چارلز بود، اکنون جایگاه خود را محکم کرده بود.

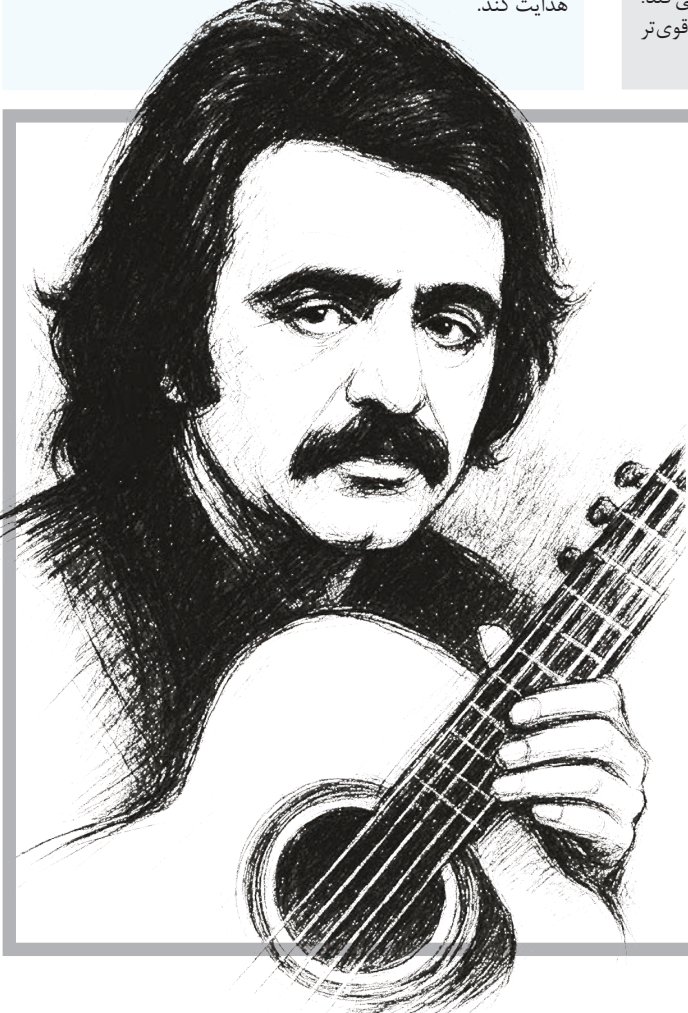
اما این شکوفایی عمر طولانی نداشت. پس از انتشار آلبوم «زندون دل»، در سال ۱۳۵۴ و با ارائه آلبوم «یاران»، اجرای ترانه‌ای چون «سفال حقیقی» از سوی حکومت پهلوی به ممنوعیت دو ساله انجامید. هنرمند، بار اول طعم تلخ سکوت اجباری را چشید.

گروه فرهنگ و هنر ۱۳ مهرماه، تقویم را ورق می‌زنیم و به روزی می‌رسیم که سالروز خاموشی یک حنجره بتوان است. روزی که فریدون فروغی، خواننده‌ای که صدایش از جنس اعتراض و حسرت بود، به آرامش ابدی رسید. زندگی او خلاصه‌ای از تناقضات تلخ تاریخ هنر معاصر ایران است. هنرمندی که در دو سوی یک انقلاب، مهر ممنوعیت بر فعالیتش خورد. طنسری در دناک که سرنوشت او را از دیگران جدا می‌کند.

فریدون، زاده ۱۳۲۹ در محله سلسبیل تهران، موسیقی را در مکتب عاشقانه خویش آموخت. او دل‌بسته راک و بلوز بود، مخصوصاً آثار ری چارلز. فروغی در شانزده سالگی، گام در صحنه‌هایی گذاشت که مخاطبانش دنبال یک صدای متفاوت بود؛ صدایی که از هیاهوی کاباره‌ها دور و به قلب واقعیت نزدیک بود.

شهرت در تنگنا

سال ۱۳۵۰، سرآغاز مسیری درخشان بود. خسرو هریاتش، کارگردان فیلم «آدمک»، در جستجوی صدایی

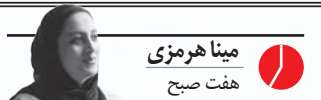




بررسی طرح وزارت علوم برای سه‌ساله کردن دوره کارشناسی و کاهش ترم‌ها

دانشگاه فشرده می‌شود و ترم‌ها کوتاه

برخی استادان هشدار می‌دهند که کوتاه‌شدن زمان تدریس، امکان آموزش عمیق، تمرین‌های عملی و پروژه‌های تحقیقاتی را محدود کرده و سطح علمی را کاهش می‌دهد



مینا هرمزی

هفت صبح

«مدرک دانشگاه فقط به درد قلاب کردن می‌خورد»، جملهای تلخ اما واقعی، تلخ‌تر می‌شود وقتی چهار سال از عمر مفید یک جوان هم پشت آن باشد. بسیاری از دانشجویان واقعاً حس می‌کنند مدرک دانشگاهی دیگر فقط برگه‌ای تزیینی است که می‌رود تا قاب شود روی دیوار، نه ابزاری برای پیشرفت. اگر با دقت بیشتر به این موضوع نگاه کنیم، مشخص می‌شود که مشکل خود مدرک نیست، بلکه گره این چالش در سیستم آموزشی و بازار کار است. وقتی دانشگاه‌ها مهارت عملی یاد نمی‌دهند و فقط دروس تئوری را آموزش می‌دهند، مسلم است که مدرک تبدیل می‌شود به یک کاغذ بی‌خاصیت. از طرف دیگر، وقتی بازار کار به جای مهارت، فقط دنبال «داشتن مدرک» باشد، مدرک بی‌ارزش می‌شود، چرا که همه با کمی تلاش موفق می‌شوند آن را بگیرند و هیچ تمایزی در مورد اینکه چه کسی مهارت بیشتری دارد، وجود ندارد. در عوض بسیاری از جوانان بدون رفتن به دانشگاه، یا شاگردی و مهارت‌آموزی یا کارآفرینی خیلی موفق هستند. موضوعاتی که باعث می‌شود تا بسیاری از جوانان به این باور برسند که دانشگاه رفتن از پایه و اساس کار بی‌بهره‌ای است. شاید برای همین باشد که این روزها، بسیاری از جوانان و جوانان دیگر تمایلی به پشت‌میزنشینی در دانشگاه‌ها ندارند و ترجیح می‌دهند حرفه و شغلی را بیاموزند تا اینکه بخواهند دانشجوی شوند. وضعیتی که نتیجه آن کاهش محسوس آمار داوطلبان کنکور و خالی ماندن بسیاری از صندلی‌های رشته‌های دانشگاهی است.

دانش آموخته‌ها می‌توانند در حد استانداردهای جهانی در صنایع مختلف داخلی و سایر کشورها به فعالیت خود ادامه دهند. اینکه بین تکنولوژی روز دنیا با دانشگاه‌های ما فاصله افتاده است به دلیل توجه نکردن به مسائل روز در دنیا است که باعث عقب افتادگی است.

هزینه‌های دولت کاهش می‌یابد

وحید کنعانی، عضو کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی درباره طرح پیشنهاد سه ساله شدن دوره کارشناسی به «هفت‌صبح» می‌گوید: در کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی فعلاً این موضوع مطرح نشده است. ولی هدف از این طرح بهره‌گیری از فن‌آوری‌های نوین در آموزش دانشجویان به جای روش‌های سنتی کنونی است، گرچه قطعاً این طرح باید بدون کاهش کیفیت آموزش باشد. وی با بیان اینکه این طرح جدای استفاده از فن‌آوری‌های نوین به دنبال کاهش اتلاف وقت دانشجویان هم است تصریح می‌کند: متعقدم این طرح، می‌تواند طرحی مثبت و مفید باشد. اما باید همه جوانب آن سنجیده شود، آیا تعداد واحدها را دانشجوی می‌تواند در سه سال به اتمام برساند؟ آیا دانشجوی شرایط پذیرش این برنامه را دارد؟ یعنی نه دانشجوی آسیب ببیند و نه چالش‌هایی برای وزارتخانه داشته باشد.

این عضو کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی البته بعد است که امسال این طرح به مجلس بیاید. وی در این خصوص می‌گوید: اگر این طرح به تصویب برسد از نظر اقتصادی برای دولت هم خوب است. زیرا هزینه‌های خوابگاه، غذا و حقوق اساتید و کارکنان دانشگاه برای دولت کاهش می‌یابد. جدای اینکه هزینه‌های دانشجویان کاهش چشمگیری پیدا می‌کند. بنابر آنچه دانشجویان و اساتید و کارشناسان بیان می‌کنند؛ به نظر می‌رسد اگر این طرح فقط در حد کاهش ترم و کوتاه شدن زمان تحصیل باشد و اگر همان سبک در هر سالی ابعاد این طرح را جزو محور و امتحان محور ادامه داشته باشد، دانشجویان باشند. اما اگر واقعاً به دنبال افزایش سطح کیفی دانشگاه‌ها و کارآمدی آنها هستیم، در حد کاهش ترم و کوتاه شدن زمان تحصیل می‌خورد یا به عنوان مطالعه آزاد باید محسوب شوند. وی با تأکید بر اینکه باید به دنبال مباحث نوین علمی و صنعتی بود و آموزش هم باید مطابق با آنها باشد تا آموزش‌ها مفید و موثر باشد. اظهار می‌کند: اگر تخصصی به آموزش توجه شود باید

در این میان دسته سومی هم وجود دارند. یعنی همان دانشجویانی که بی‌تفاوت هستند و برایشان مهم نیست چند ترم درس بخوانند یا واحدهای دانشگاهی شان کم شود یا زیاد!

اساتید: باید بررسی بیشتری شود

در خصوص این طرح هم نمی‌شود پاسخ قطعی داد که آیا همه اساتید دانشگاه موافقت یا مخالف؛ چون مثل هر گروه بزرگی، نظرها متفاوت است. اما برخی اساتید نگرانی‌هایی دارند از جمله اینکه: کاهش زمان ممکن است باعث شود تا محتوای دروس فشرده شده و فرصت تدریس عمیق، بحث، تمرین و بازاندیشی کمتر امکان پذیر باشد. همچنین کلاس‌ها نیز ممکن است به شکلی سطحی‌تر برگزار شوند و دانشجویانی که به لحاظ امکانات یا زمان ضعیف‌ترند ممکن است آسیب بیشتری ببینند؛ در سرت مثل دانشجویی که هم‌زمان کار می‌کند.

حذف دروس غیر کاربردی ضروری است

اما برخی از اساتید با شرط و شروطهایی موافق این طرحند؛ معیاد گودرزی استاد و کارشناس اقتصاد از جمله همین اساتید است که به «هفت صبح» در این باره می‌گوید: کاملاً با کاهش ترم‌ها موافق هستم، زیرا یکسری دروس در مقطع کارشناسی پاس می‌شوند که عموماً در بازار کار کاربرد ندارند. و در سها فراموش می‌شوند زیرا کارایی ندارند. وی با بیان اینکه بیش از ۸۰ درصد مباحثی که در دوره کارشناسی در دانشگاه تدریس می‌شود، برای دانشجویانی که وارد بازار کار می‌شوند اصلاً به درد نمی‌خورد ادامه می‌دهد: به نظر

قبول یک واقعیت تلخ

اما حقیقت این است که در تمام دنیا، دانشگاه‌ها جزو دارایی‌های بسیار ارزشمند کشورها محسوب می‌شوند چرا که توسعه و آینده هر جامعه‌ای به آنها متکی است. در کشور ما هم دانشگاه‌ها می‌توانند به چنین جایگاه ارزشمندی دست پیدا کنند. اگر اهداف و مسیر آن، درست طراحی شوند. به زبان ساده، مدرک به تنهایی شاید به درد قاب کردن نخورد، ولی تجربه و یادگیری واقعی پشت آن مدرک، می‌تواند زندگی افراد را تغییر دهد.

سیستم آموزش عالی ما با چالش‌هایی جدی در بخش آموزش روبه‌روست. از محتوای دروس رشته‌ها که معمولاً محدود به یکسری اطلاعات قدیمی و تئوری است گرفته تا کمرنگ بودن ارتباط بین دانشگاه و صنعت. از کمبود بودجه‌ای پژوهشی گرفته تا تعداد واحدهای زیادی که تقریباً یک‌سوم آنها جزو دروس عمومی یا دروسی هستند که بیشتر ارتباطی به رشته مورد نظر ندارند و یا جزو دروس «کاربردی» محسوب نمی‌شوند. حالا در چنین شرایطی مدتی است که وزارت علوم تصمیم به کاهش ترم‌ها و واحدهای دانشگاهی گرفته است. شاید به همین دلیل که این وزارتخانه هم متوجه این موضوع شده که اگر اقصاء مدرک ارزش ندارد و همه دنبال مهارت و کار هستند، پس چرا باید ۴ سال وقت و هزینه دانشجویان گرفته شود؟ اقدامی که از نظر کارشناسان، می‌تواند حامل پیام مهمی به نام «قبول واقعیت» باشد. یعنی وزارت علوم متوجه شده است که این سیستم طولانی و پر واحد، بیشتر از اینکه مهارت بسازد، وقت می‌گیرد، بنابراین به دنبال حرکت به سمت کارمحوری است. به بیانی به کم‌کردن طول دوره، می‌خواهند دانشجویان زودتر سراغ کار یا دوره‌های تخصصی کوتاه‌مدت بروند که واقعاً به درد بازار کار بخورد.

ولی نکته اینجاست؛ اگر فقط مدت دوره کارشناسی از ۴ سال به ۳ سال کاهش یابد و همان سبک آموزش تئوری و حفظی به جا بماند، عملاً مدرک، فقط «زودتر» برای قاب کردن آماده می‌شود! در مقابل اما اگر همراه با کوتاه شدن، آموزش عملی، کارآموزی واقعی، پروژه‌محوری و مهارت‌محوری اضافه شود، قطعاً مدرک دوباره معنا پیدا می‌کند.

برخی دانشجویان نگرانند و برخی بی‌تفاوت با این حوال این تصمیم وزارت علوم موافقان و مخالفان بسیاری

عضو کمیسیون آموزش مجلس: این طرح می‌تواند طرحی مثبت و مفید باشد. اما باید همه جوانب آن سنجیده شود، آیا تعداد واحدها را دانشجوی می‌تواند در سه سال به اتمام برساند؟ آیا دانشجوی شرایط پذیرش این برنامه را دارد؟



گزارش ۲

درباره آینده سالمندان ایرانی که با کمبود مراکز نگهداری و هزینه‌های بالای مراقبت روبه‌رو هستند

سایه کهولت بر شهر

گروه اجتماعی | «مادرم به شدت مریض است و به خاطر کهولت سن، به آلازایمر حاد نیاز شده است. باین حال مراکز نگهداری سالمندان دولتی حاضر نیستند از وی نگهداری کنند. می‌گویند زوال عقل در فهرست عواملی نیست که بتواند باعث شود تا مادرم تحت پوشش بهزیستی قرار بگیرد.» اینها را منصوره که حالا ۴۸ سال دارد و خودش مادر دو فرزند است می‌گوید و اضافه می‌کند: از طرفی نه من و نه برادرم وضعیت مالی مان طوری نیست که بتوانیم برای وی پرستار بگیریم یا به خانه‌های سالمندان خصوصی بسپاریم. چون هر کدام از اینها بین ۲۰ تا ۷۵ میلیون تومان هزینه می‌خواهد که واقعا از عهده ما خالی است. حالا ولی بهزیستی گفته که چون مادرم پسر بزرگ دارد، مشمول پذیرش در مراکز دولتی نمی‌شود. واقعاً نمی‌دانیم که چه باید بکنیم؟» این فقط نمونه‌ای از ده‌ها و شاید صدها موردی است که طی چند سال اخیر و هم‌زمان با افزایش آمار سالمندان در کنار رشد تورم و افزایش سرسام آور هزینه‌های زندگی می‌بینیم و می‌شنویم. این آمار وقتی معنادارتر می‌شود که بدانیم رئیس سازمان بهزیستی کشور، گفته است بر اساس پیش‌بینی‌ها تا سال ۱۴۳۰ حدود ۳۱ درصد جمعیت ایران را سالمندان تشکیل خواهند داد. آماري که هم اینک حدود ۱۲ درصد است که به رقمی معادل حدود ۱۰ میلیون سالمند می‌رسد. اما اینها تنها آمار نگران‌کننده در مورد وضعیت سالمندان کشور نیستند. همین چندروز قبل بود که سیدرضا رئیس کومی، رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران، گفت کاهش نرخ رشد جمعیت در سال گذشته برای اولین‌بار جمعیت زیر یک میلیون نفر را نشان داد و در برخی استان‌ها مانند گیلان رشد جمعیت منفی شده است.

از تعامل با نسل «زد» تا کمبود الزامات سالمندی

چالش‌های پیشروی جامعه در افزایش آمار سالمندان تنها به کاهش نیروی جوان و نیروی کار محدود نمی‌شود بلکه شاید مهم‌تر از آن، معضل مهم افق آینده ادامه این روند، موضوع نگهداری و آماده کردن محیط شهرها و خانه‌ها برای زندگی سالمندان است. به اعتقاد کارشناسان، یکی از چالش‌های موجود این است که در حوزه تخصصی سالمندی تعداد متخصصان محدود است و نظام سلامت آمادگی پذیرش حجم بالای سالمندان را ندارد. از سویی حمل و نقل و زیرساخت‌های شهری نیز در شرایط فعلی کشور برای پاسخگویی به نیازهای خاص جمعیت سالعد مناسب‌سازی نشده است. به گفته امان‌الله قرانی مقدم، جامعه‌شناس، تفاوت فاحش نسلی سالمندان با نسل سرکش «زد» در کنار بالا بودن هزینه‌های سنگین زندگی نیز این اجازه را به خانواده‌ها نمی‌دهد تا از آمار تها‌های آجاره‌ای کوچک خود، از سالمندان‌شان نگهداری کنند و یا از پس از هزینه‌های درمانی و گرفتن پرستار و تأمین نیازهای خاص آنها برآیند. روی دیگر این سکه، وضعیت کانون خانوادگی خانواده‌هایی است که سالمندی دارند. به گفته علیرضا

نمازی، مدیر گروه طب سالمندان دانشگاه علوم پزشکی تهران، وقتی هر خانواده تنها یک یا دو فرزند دارد، فشار بر والدین میان سال دوربرابر می‌شود؛ باید به والدین سالمند خود برسند و هم‌زمان به فرزندان جوان رسیدگی کنند که این فشارها هم مالی است و هم زمانی و روانی.

هزینه‌های نجومی مراکز نگهداری برای «حداقل بگیرها»

مراکز خصوصی نگهداری از سالمندان که این روزها بخش بزرگی از نیاز جامعه را پوشش می‌دهند، تعرفه‌هایی طبقه‌بندی شده دارند. خدمات پایه شامل مراقبت روزانه، تغذیه و فعالیت‌های اجتماعی محدود، ماهیانه حدود ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان هزینه دارد. خدمات متوسط که دربرگیرنده مراقبت‌های ویژه، فیزیوتراپی، کاردرمانی، تغذیه بهتر و فعالیت‌های اجتماعی گسترده‌تر است، بین ۱۵ تا ۲۵ میلیون تومان

تلنگر

گزارشی از افزایش حملات سگ‌های ولگرد به کودکان و شهروندان

دندان‌های بی‌قانون



حمیدرضا خالدي

هفت صبح

حمله یک سگ ولگرد در خوزستان به کودک ۴ساله در حالی صورت گرفت که تاکنون کارشناسان و مسئولان بارها در مورد اینکه نبود قانونی مشخص برای مدیریت و ساماندهی این حیوانات در کشور، می‌تواند منجر به افزایش این گونه حوادث شود، هشدار داده بودند. آمار بیش از ۷۰۰ مورد حمله سگ‌ها به شهروندان در کشور، آماري نیست که بتوان به‌سادگی از کنار آن گذشت. «گرچه شهرداری‌ها مسئول جمع‌آوری و مدیریت وضعیت سگ‌های ولگرد هستند ولی هنوز عملاً هیچ قانون مشخصی در این زمینه وجود ندارد!» اینها را پیمان فلسفی عضو کمیسیون محیط‌زیست مجلس گفته و اضافه کرده است: نبود قانون واحد باعث شده مدیریت سگ‌های ولگرد «سلیقه‌ای» انجام شود؛ ولی ما در مجلس «اولویت‌هایی غیر از این مسئله داریم!». اظهارات این نماینده مجلس در حالی مطرح می‌شود که نگاهی هر چندسطحی به این مقوله به‌ظاهر فاقد «اولویت» چقدر می‌تواند در امنیت و سلامت جامعه مؤثر باشد. بر اساس آمار موجود، سالانه بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر در ایران مورد حمله سگ‌های ولگرد یا صاحب‌دار قرار می‌گیرند ضمن آنکه این حوادث بیش از ۲۰۰۰ میلیارد تومان برای نظام سلامت کشور هزینه دارد. گرچه گفته می‌شود که این فقط بخشی از بار مالی سگ‌های ولگرد برای کشور است!

سالی پر از سگ‌گزیدگی

امسال هم حوادث سگ‌گزیدگی از همان روزهای نخستین سال ۱۴۰۴ شروع شد. یعنی زمانی که ساعت ۶ عصر روز ۵ فروردین، یک کودک چهارساله در حوالی کوچه محل زندگی مورد حمله سگ‌های ولگرد قرار گرفت. این پسر بچه سه روز بعد به دلیل شدت زیاد جراحات‌ها و مصدومیت، جان‌ش را از دست داد. ولی مرگ دلخراش این کودک، تنها مورد حمله سگ‌های ولگرد و بدون صاحب به مردم، در طول روزهای ابتدای سال ۱۴۰۴ نبود. سیزدهم فروردین در محدوده روستاهای قزوین بیش از ۹ نفر از اهالی بر اثر حمله سگ دچار صدمه و جراحات و تعدادی از آنها بعضی بستری شدند. از آن پس نیز بارها خبرهای مشابهی در رسانه‌ها در مورد حوادث مشابهی منتشر شده است. آخرین این اخبار، خبری بود در مورد حمله یک سگ ولگرد در خوزستان به کودک ۴ساله که گرچه خوشبختانه با اقدامات دوباره پزشکان نجات پیدا کرد ولی باعث شد تا دوباره موضوع سبک‌گزیدگی به صدر اخبار اجتماعی رسانه‌ها و فضای مجازی باز گردد.

چالش جهانی

سالانه میلیون‌ها نفر در سراسر جهان مورد حمله سگ‌ها قرار می‌گیرند و آمارها می‌گویند اغلب این قربانیان کودکان هستند و این به آن معناست که حمله سگ و مدیریت سگ‌های ولگرد معضلی جهانی است. آنان چهارمین گونه مرگ‌بار در دنیا هستند و در ایران بنابر آمار اعلام شده در سال ۱۴۰۱، بیش از چهار میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از این حیوانات به کارشناسان محیط‌زیست، حدود دو تا سه میلیونی یا به عبارتی بیش از نصف این رقم را سگ‌های خیابانی تشکیل می‌دهند که به نسبت سگ‌های ولگرد به جمعیت کل آنها در سایر کشورهای جهان آماری نگران‌کننده است. گرچه این آمار قطعاً هم اینک باتوجه به ناکامی در کنترل جمعیت سگ‌ها و علاقه شهروندان به نگهداری انواع سگ‌ها، بسیار بیشتر از قبل شده است.

خلأ قانونی و نبودن نهاد مسئول

این حوادث بی‌دری در حالی رخ می‌دهند که در کشور ما قانون و دستورالعمل جامع و کاملی برای کنترل و سامان‌دهی جمعیت سگ‌های ولگرد و بدون صاحب تدوین شده است. تنها بند قانونی در این زمینه، بند ۱۵ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها است که به طور غیرمستقیم این وظیفه را به شهرداری‌ها محول کرده و گفته: «جلوگیری از شیوع امراض ساربه انسانی و حیوانی و اعلام این گونه بیماری‌ها به وزارت بهداشت و دامپزشکی و شهرداری‌های مجاور هنگام بروز آنها و دور نگاهداشتن بیماران مبتلا به امراض ساربه و معالجه و دفع حیواناتی که مبتلا به امراض ساربه بوده یا در شهر بدون صاحب و مضر هستند.» در عین حال ولی به نظر می‌رسد این قانون کارایی و اثربخشی کافی را نداشته و ندارد. در این میان برخی از شهروندان در یک تصمیم هیجانی و خرید یا به سرپرستی گرفتن سگ، متوجه سختی‌های نگهداری حیوان می‌شوند و آن‌را رها می‌کنند. بعضی دیگر از بیماری‌های واگیر یا بیماری‌هایی که از سگ خانگی منتقل می‌شود، اطلاع ندارند و این موارد نیز تعداد سگ‌های بی‌صاحب و موارد حمله و گازگرفتگی را افزایش می‌دهد. اما در مقابل هیچ قانون مشخصی در مورد نگهداری یا ممنوعیت نگهداری سگ‌ها و یا چگونگی مدیریت جمعیت آنها توسط مسئولان وجود ندارد. موضوعی که می‌تواند زنگ خطری برای سلامت جامعه و بخصوص کودکان محسوب شود.

این روزها در جامعه رودبدل می‌شود که به‌هیچ‌عنوان نمی‌توان آنها را با حقوق قشر بازنشسته – به‌عنوان حداقل بگیرها – و یا فشارهایی که کمر خانواده‌های دارای سالمند را خم کرده، تطابق و هماهنگی ندارد.

لزوم آماده‌بودن کشور برای کشوری سالخورده

در چنین شرایطی شاید به طور خلاصه بهترین راهکار همان باشد که قرانی مقدم می‌گوید. وی معتقد است که دولت باید هر چه سریع‌تر فکری برای آینده‌نگران‌کننده سالمندان جامعه کند. از احداث مراکز نگهداری سالمندان جدید گرفته تا حمایت از خانواده‌های کم‌بضاعت برای نگهداری از والدین سالخورده خود. در عین حال به گفته این جامعه‌شناس، در عین حال باید پیاده‌روهای مناسب، ساختمان‌ها، رمپ‌ها، آسانسورها، نور مناسب و امکانات کمکی برای حرکت سالمندان نیز جدی گرفته شود تا از آسیب و سقوط آنها جلوگیری شود.

این مسائل در خانه، ادارات و فضاهای عمومی اهمیت فراوان دارد.





کمک نکندید!

به نظر می‌رسد حق با مهدی پاشازاده باشد. علی پروین مدتی می‌شود سکوت اختیار کرده و حاضر نمی‌شود با رسانه‌ها مصاحبه کند؛ در حالی که در گذشته همواره احترام خاصی برای ارباب جراید قائل بود. دلخوری علی پروین شاید از رسانه‌ها نباشد و بیشتر مربوط به فضای مجازی است اما باز نشر توهین و بی‌حرمتی به اسطوره فوتبال ایران و باشگاه پرسپولیس هم پذیرفتنی نیست.

ارزیابی وضعیت پرسپولیس در گفت و گو با بهزاد داداش زاده

علی علیپور ستاره‌است وبقیه‌در حد خودشان نیستند

و برنده نشود.

❖ **بازی با گل گهر سیرجان بی‌روح و کم موقعیت بود. چرا؟**

گل گهر طبیعی بود دنبال گل نخوردن و گل زدن در ضدحملات باشد اما پرسپولیس چطور؟ هیچ کدام از بازیکنان در حد و اندازه‌های خود نبودند و تیم کاملاً بی‌هدف در میدان فوتبال بازی می‌کرد. این تیم آشفته و بی‌برنامه است.

❖ **اما وحید هاشمیان در نشست خبری پس از پایان بازی عنوان کرد بعد از فیفادی تیمی می‌سازد که نتایجی در خور شان پرسپولیس بگیرد؟**

همه ما امیدواریم اما باید بشود یا نه؟ من هم دوست دارم پرسپولیس به روزهای اوج برگردد اما در حال حاضر من می‌شود؟ خواستن یک چیز است و رسیدن به آن چیزی دیگر ...

❖ **با این وضعیت پرسپولیس چقدر شانس قهرمانی در لیگ بر تر دارد؟**

بی‌تعارف با این فوتبال هیچ درصد! من امیدوارم پرسپولیس به روزهای اوج برگردد اما در حال حاضر من فکر می‌کنم شانس اول قهرمانی باز هم تراکتور تبریز باشد.



پاشازاده: به‌علی پروین توهین شد، من خجالت کشیدم!

میکروفن راستم بچه‌های ۱۰ ساله‌نبرید

کاپیتان سابق استقلال به شدت از عملکرد برخی رسانه‌ها در خصوص تیم‌های پرطرفدار گلایه دارد. به گزارش هفت‌صبح ورزشی، چهارشنبه گذشته و ساعاتی پیش از شروع دیدار تیم‌های استقلال و المحرق بحرین در چار چوب رقابت‌های هفته دوم لیگ قهرمانان آسیا سطح ۲، مهدی پاشازاده مهمان هفت‌صبح ورزشی بود.

مهاضف و کاپیتان سابق استقلال مصاحبه مفصلی با هفت‌صبح ورزشی انجام داد اما در انتهای این گفت‌وگو وقتی میکروفن‌ها خاموش شد، به نکته ظریفی اشاره کرد که در نوع خود جالب بود.

مهدی پاشازاده نسبت به رسانه‌ها و برخی مصاحبه‌های ما انتقاد داشت؛ جایی که معتقد بود نباید قبل و بعد از مسابقات تیم‌های پرطرفدار سمت هواداران کم سن و سال رفت.

مهدی پاشازاده به هفت‌صبح ورزشی گفت: «متأسفانه مدّ شده این روزها به دلیل برخی محدودیت‌های رسانه‌ای برای تهیه گزارش و مصاحبه، شما و برخی

بهزاد داداش زاده می‌گوید با این شرایط باز هم شانس تراکتور تبریز برای کسب عنوان قهرمانی بیش از سایر تیم‌هاست. تیم فوتبال پرسپولیس در هفته ششم هم نتوانست به پیروزی برسد و پنجمین تساوی خود را این بار برابر گل گهر سیرجان تجربه کرد.

تیم وحید هاشمیان پس از پیروزی دل چسب هفته دوم مقابل سپاهان در اصفهان، چهار هفته متوالی نتوانسته برنده از زمین خارج شود. به همین بهانه سراغ بهزاد داداش زاده هابک سابق پرسپولیس رفتم؛

❖ **ارزیابی شما از بازی پرسپولیس و گل گهر سیرجان چیست؟**

لازم می‌دانم این نکته را بگویم که علی علیپور تنها ستاره این روزهای پرسپولیس است که توانسته هر ۴ گل این تیم را بزند اما بقیه بازیکنان در اندازه تیم و حتی خودشان هم نیستند!

❖ **اینکه فقط یک بازیکن توانسته باشد چهار گل تیمش در فصل جاری را بزند خوب است یا بد؟**

خط و نشان سرمربی پرسپولیس در رختکن

هاشمیان: شوخی ندارم! دیگر به اسم‌ها بازی نمی‌دهم



نمی‌شود یک بازیکن در زمین راه برود یا بی‌خیال بازی کند و سکو‌ها علیه من سرمربی شعار بدهند. از این به بعد هر کسی در زمین خوب باشد بازی می‌کند

وحید هاشمیان پس از تساوی برابر گل گهر سیرجان به شدت از دست برخی شاگردانش ناراحت بود.

در ادامه رقابت‌های هفته ششم لیگ‌برتر فوتبال تیم فوتبال پرسپولیس در ورزشگاه شهدای شهرقدس میزبان گل گهر سیرجان بود که این دیدار با تساوی یک-یک به پایان رسید. مهدی تیکدری (۵۷) برای گل گهر و علی علیپور (۷۷- پناالتی) برای پرسپولیس گل زدند.

سرمربی پرسپولیس سعی کرد در نشست خبری پس از این دیدار خودش را کنترل کند و گفت: «از تمام بازیکنانم خیلی ممنونم. با تمام وجود نظم و انضباط را رعایت کردند. نکته مثبت بازی، بازگشت مصدومان بود. تعویض‌هایی که کردیم روی زمان‌هایی بود که پزشکان تیم به ما دادند. مجبور بودیم از بازیکنان در یک نیمه یا کمتر استفاده کنیم. مثلاً اورونوف فقط لازم بود ۱۰ دقیقه بازی کند.»

جالب آنکه وحید هاشمیان در این نشست خبری از هواداران پرسپولیس هم تشکر کرد؛ طرفدارانی که پیش از شروع مسابقه شروع به فحاشی علیه رضا درویش کردند. تماشاگران خشمگین پرسپولیس در ادامه مسابقه وحید هاشمیان را نیز بی‌نصیب نگذاشته و یکصدا شعار حیا کن، رها کن سر دادند.

این در حالی بود که سرمربی پرسپولیس در نشست خبری پیش از بازی خرج خودش را از رضا درویش مدیرعامل نه‌چندان محبوب (!) تمیش جدا کرد و بالاخره پس از چند ماه درباره نقل و انتقالات باشگاه شفاف‌تر حرف زد.

هاشمیان گفت همان روز اولی که به پرسپولیس آمده، گفته تیمش در ۵ پست نیاز به تقویت دارد و بازیکن‌های زیادی هم به مدیریت معرفی کرده که به‌خاطر محدودیت‌های سقف قرارداد و از دست دادن زمان، موفق به جذب آنها نشده تا امروز دربه‌در در بازار به‌دنبال بازیکن آزاد بگردد و در این وضعیت سخت قرار بگیرد. با این وجود سرمربی پرسپولیس نیز از گزند شعارهای طرفداران عصبانی این تیم بی‌نصیب نماند و برهمین اساس ناراحت و عصبانی وارد رختکن تیمش شد.

سرمربی تیم فوتبال پرسپولیس، پس از ناکامی دوباره تیمش در کسب پیروزی، با عصبانیت در رختکن فرم‌ها حاضر شد و از بازیکنان تیمش بابت تساوی مقابل شمس آذر، انتقاد کرد. خبردار شدیم وحید هاشمیان در رختکن پرسپولیس خطاب به بازیکنان گفته: «از این به بعد با کسی شوخی ندارم! نمی‌شود یک بازیکن در زمین راه برود یا بی‌خیال بازی کند و سکو‌ها علیه من سرمربی شعار بدهند. از این به بعد هر کسی در زمین خوب باشد بازی می‌کند و دیگر اسم کسی در زمین بازی نمی‌کند. باید در تمرین خوب باشید و در زمین مسابقه عالی! بروید خوب استراحت کنید و بعد از فیفادی با روحیه و تفکر جدیدی برگردید.»

حکم اعدام دو عامل گروهک داعش که اتوبوس زائران کر بلارا منفجر کردند

محاكمه قاتلان دلوین



فاطمه شیخ‌علیزاده دبیر حوادث

شهریور ماه سال ۱۴۰۱ اتوبوس زائران کرپلاکه از تهران به سمت ایلام حرکت کرده بود در محور همدان دچار انفجار و آتش سوزی شد که در این حادثه دخترک یک و نیم ساله‌ای به نام دلوین جان خود را از دست داد.

در بررسی‌های به عمل آمده مشخص شد این انفجار به دلیل بمب گذاری گروهک داعش رخ داده بود که در تحقیقات به عمل آمده دو مرد داعشی به همراه یک زن جوان که همسر یکی از این دو نفر بود شناسایی و دستگیر شدند. متهمان در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب محاکمه شده و برای هر سه نفر به اتهام محاربه حکم اعدام صادر شد.

متهمان همچنین روز گذشته در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران به اتهام قتل دلوین پای میز محاکمه رفتند.

❖ **در دادگاه**

در این جلسه هر سه متهم به همراه اولیای دم پرونده حاضر بودند و کودک خردسال متهم زن پرونده نیز در آغوش او بود.

در ابتدای جلسه رسیدگی مادر دلوین شکایت خود را مطرح کرد و گفت: «من به همراه کودک خردسال خود و همچنین خانواده‌ام راهی سفر زیارتی شده بودم فرزند من شیرخوار بود و زمانی

که انفجار رخ داد در حال شیر دادن به او بودم. حالا فرزند بی‌گناه من به شهادت رسیده و این خانم که در این جنایت دست دارد فرزندش را در آغوش دارد. من برای هر سه نفر تقاضای اشد مجازات دارم. من تقاضای دریافت دیه دخترم را دارم و خودم هم در این جنایت دچار آسیب شدم که تقاضای دریافت دیه صدمات وارد شده را دارم.»

سپس متهم ردیف اول به نام ماجد که همراه همسر خود بازداشت شده است در جایگاه دفاع حاضر شد. او با ظاهر داعشی و لحن و گویش داعش شروع به صحبت کرد و گفت: «من این محکمه را قبول ندارم و هیچ صحبتی نمی‌کنم». وکیل ماجد در ادامه جلسه رسیدگی در دفاع از موکل خود گفت: «موکل من و همدستانش بعد از بمب گذاری از این اقدام پشیمان شدند اما به همدیگر دسترسی نداشتند تا عملیات خشنی سازی بمب را زودتر انجام دهند. به همین دلیل قبل از اینکه فرصت پیدا کند که بمب را خنثی کنند، انفجار رخ داد.»

بعد از ماجد نوبت به همدست او به نام حبیب رسید که از خود دفاع کند. متهم در دفاع از خود گفت: «من از جریان انفجار بمب در آن اتوبوس کلا بی‌اطلاع بودم. حدود یک ماه بعد از حادثه بود که فهمیدم چنین اتفاقی رخ داده است. در خبرها اظهارات مسافران را خواندم که گفته بودند انفجار همراه با نور و شعله همراه بوده است که این شیوه انفجار با منفرج شدن

پایان تحت تعقیبی سارق حرفه‌ای

سر کلانتر پنجم پلیس پیشگیری پایتخت از دستگیری سارق لوازم و تجهیزات خودرو که تحت تعقیب بود خبر داد.

سرهنگ حسین مهرعلیان سر کلانتر پنجم پلیس پیشگیری پایتخت در تشریح این خبر بیان داشت: در پی وقوع چند فقره سرقت لوازم و محتویات خودرو در سطح حوزه استحقاقی کلانتری ۱۲۵ آزادی، دستگیری عوامل این سرقت‌ها در دستور کار پلیس قرار گرفت.

این مقام انتظامی اضافه کرد: در پی گشت‌زنی‌های هدفمند تیم عملیات کلانتری، یک دستگاه خودرو فاقد پلاک را در حال پرسه‌زنی در یکی از پارکینگ‌های شهرک اکباتان رویت که به صورت نامحسوس زیرنظر گرفته شده راننده این خودرو قصد سرقت از یکی از خودرو های پارک شده را داشته که سرعاً زمینگیر و دستگیر می‌شود. در بازرسی‌های اولیه از خودروی متهم تعدادی اموال مسروقه از قبیل ضبط خودرو و ادوات سرقت و گوشی تلفن همراه سرقتی نیز کشف شد .

سر کلانتر پنجم در ادامه افزود: متهم پس از انتقال به کلانتری به ۵ فقره جرایم مشابه دیگر اعتراف و در استعلام آمده مشخص شد وی تحت تعقیب نیز بوده است. تاکنون ۳ نفر از شکات این پرونده شناسایی و پرونده وی جهت بررسی‌های بیشتر تحویل دستگاه قضایی شد. سرهنگ مهرعلیان به شهروندان توصیه کرد: خودروهای خود را به تجهیزات ایمنی از قبیل قفل و دزدگیر مجهز کرده و حتما موارد ایمنی مثل استفاده از قفل فرمان و قفل پدال را رعایت و فراموش نکنند خودروی خود را قفل کنند.

سارقان موبایل قاپ‌در مسیر زندان

راحتی اموال قیمتی را به سرقت می‌برند و در صورت وقوع هرگونه سرقت با مشاهده موارد مشکوک با سامانه ۱۱۰ پلیس تماس حاصل فرمایند.



سر کلانتر سوم پلیس پیشگیری پایتخت از دستگیری سارقان موبایل قاپ و کشف گوشی مسروقه خبر داد.

سرهنگ کیانوش نظری سر کلانتر سوم پلیس پیشگیری پایتخت در تشریح این خبر بیان داشت: در پی گشت‌زنی‌های هدفمند ماموران کلانتری ۱۰۳ گاندی در سطح حوزه استحقاقی، به یک دستگاه موتورسیکلت پلاک مخدوش حین زاع زنی و سرقت تلفن همراه یکی از شهروندان را داشت که نسبت به دستگیری آنها اقدام شد.

این مقام انتظامی اضافه کرد: راکب و ترک نشین که فرصت هیچ‌گونه عکس‌العملی را نداشته به ناچار متوقف در استعلام به عمل آمده از متهمان سوابق متعدد آنها مبنی بر موبایل قاپی، حمل و توزیع مواد مخدر و سرقت موتورسیکلت و مشخص و طی بازرسی‌های اولیه از سارقان دو تلفن همراه مسروقه که به تازگی سرقت نموده بودند را کشف و به همراه متهمان به کلانتری انتقال دادند.

سر کلانتر سوم در ادامه افزود: سارقان در کلانتری به جرایم خود اعتراف و مالباختگان این پرونده شناسایی و اموال مکشوفه به آنها بازگردانده شد. متهمان جهت بررسی‌های بیشتر به دستگاه قضایی تحویل داده شدند.

سرهنگ نظری به شهروندان توصیه کرد: شهروندان تلفن همراه خود را در معرض دید قرار ندهند زیرا افراد سودجو با سوءاستفاده از بی‌توجهی مردم و تحت نظر داشتن آن‌ها به

